



گفت وگو با

استاد حمید عجمی

هنرمند خوشنویس و دلبسته مفاهیم قرآنی

خط «معلی»

از یک

«علی»

آغاز شد

خط «معلی»  
ارتباط مستقیم  
با خطوط گذشته دارد

سری تجربه را انجام دادم که البته هنوز هم نرسیدم به این که کار خیلی جدی‌ای ارائه دهم. بسیاری از مقاطعات را که در تمرینات انجام دادم در تابلوها تیاوردم و نمایش ندادم. همانطوری که فرمودید بیشتر هدف باید این باشد که هنر جوانان و جوانان بتوانند از این تحول بهره ببرند و سعی کنیم این پویایی به ذهن جوانان هنرپژوه تزریق شود و فکر نکنند که یک مقوله هنری در یک دوره به انتها می‌رسد، و شاید با این نمایشگاه بشود ایجاد انگیزه کرد تا خود جوانان از این مجمل حدیث مفصل بخوانند.

● این خط دلنشینی نستعلیق و استحکام نسخ و ثلث و محقق را داراست و همچنین تعلیق و... چه فکری برای رسم الخط و طراحی سطر نویسی اش کرده‌اید؟ یا الفبای بنیادین برای آن در نظر گرفتید؟

اینکه هر خط تاثیر پذیرفته از خطوط گذشته است و اینکه خطوط از نظر ظاهر یک پیوند عمیقی با همدیگر دارند را نمی‌شود نادیده گرفت و خطی هم که من کار کردم ارتباط بسیار مستقیمی دارد با خطوط گذشته، شروع این خط از زمانی آغاز شد که سفارش یک کلمه «علی» به بنده داده شد و من سعی کردم اتصالات و مقاطعات این خط را طراحی‌نمایم و ابتدا برای آزمایش در بعضی از آرم‌ها و جلد‌های کتاب آن را آزمودم و تا حدودی هم جواب گرفتم و اندک‌اندک بر اثر مرور زمان، شکلی جالفتاده به خود گرفت و به این نتیجه‌ای که شاهد هستید رسیده است. همان طوری که گفتید معلی برگرفته از خطوط محقق ثلث خط نستعلیق و شکسته و چند خط دیگر است و این توضیح را باید یادآور شوم که لازمه و زیربنای ایجاد و طراحی خطی جدید این نیست که ما بیاییم خطوط قدما را در کتابها پیدا کنیم و سعی نماییم کارمان را از آنها کپی برداریم. و حالا دستی هم ببریم و بگوییم نوآوری کردیم. به نظرم هر هنرمند خوشنویس یک سری اندوخته ذهنی دارد یعنی به لحاظ مشق نظری و قلمی و خیالی

درآمد:

«... حمید عجمی بنیانگذار یک سبک جدید در خوشنویسی معاصر است و این حقیقتی انکارناپذیر است. خط حمید عجمی... نه از قلم، که از مزگان معرفت پدید آمده، و نه از دوات، از خون جگر مایه گرفته، خطی که از زمین نجوشیده که از آسمان فرود آمده است... سخن گفتن از ابداع حمید عجمی یعنی خط معلی دشوار است. سالها باید بگذرد تا این ابداع فهم شود.

«معلی» و میدع معلی به زودی همان هنگامه‌ای را در هنر اسلامی به پا خواهند کرد که روزی ثلث و نسخ، به کمال رساننده آنها «یاقوت مستعصمی» برپا کرده‌اند.»

این عبارات از سر خلوص را هنرمندان معاصر: یوسفعلی میرشکاک و سیدمهدی شجاعی در بروشور نمایشگاه خطوط و آثار حمید عجمی در خانه سوره تهران نوشته‌اند.

خط جدید معلی که فیضی آسمانی و مددی ازلی در اندیشه و سرپنجه حمید عجمی است که ضمن فخر و مباهات به آن دیرزمانی به طول می‌انجامد تا رسماً حضورش را تمام کند و در این راه طراحی حروف الفبای مخصوص به خود و پایمردی و خلق آثار فراوان هنری به همراه نگاره‌های تزئینی ایران اسلامی را می‌طلبید.

● آقای عجمی! یک پدیده اجتماعی از بدو پیدایش یا ظهور، تا اوج و به کمال رسیدن، راهی را باید طی کند چقدر زمان نیاز دارید تا بتوانید خط معلی را بر مسند فاخر خطوط اسلامی بنشانید و کلاً آینده این خط را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

به نام خداوند جان و خرد. ما این قدر اختیار نداریم نسبت به اینکه برای آینده طرحی بیفکنیم حال ممکن است به نتیجه برسد یا نرسد. اگر رسید چه بهتر وگرنه از سر ارادتش کاری را تجربه کرده ایم. در مورد خط معلی نزدیک به چهار، پنج سالی است که مشغول هستم. و واقعاً از اولش نمی‌دانستم به نتیجه می‌رسید یا نه. ابتدا یک

برداشتهای تصویری در اندیشه‌اش ثبت می‌شود و رسیدن به این فرم بیشتر به خاطر این بوده است که اگر ظاهر خط به خطوط عربی نزدیک است بیشتر به خاطر مضامینی است که تداعی‌کننده خطوط و تابلوهای عربی است، چون مضامین و موضوع تابلوها بیشتر برگرفته از کلام آسمانی قرآن یا احادیث ائمه (علیهم‌السلام) و کلام حضرت امیر(ع) می‌باشد به همین خاطر استفاده از شش‌دانگ قلم در حروف و کلمات صلابت بیشتر و استحکام مضاعفی را تداعی دارد و البته به خود می‌بالم که همگان در بازدید از نمایشگاه فوراً تداعی قدرت کار بزرگان و گذشتگان را به یاد می‌آورند و این ارتباط با خطوط متقدمین را درمی‌یابند و الحمدلله سعی کردم از مسیر خوشنویسی سنتی خارج نشوم و تهمت کار گرافیکی به من نخورد چون واقعاً می‌خواستم این اتفاق در بستر خوشنویسی سنتی رخ دهد.

● به هر حال عوامل زیبایی‌شناسی در گرافیک یا هر هنر دیگر مشترک است اگر در بنده یا استادان یا بیننده‌ای این حس الفاء شده است که کارتان جنبه گرافیکی دارد، ابتدا به خاطر نو بودن کار و فرمها در قطعه نویسی می‌باشد و بعد اینکه ایجاد تقارن، تضاد، تعادل و... در هنرها مشترک است که از نظر تکنیکی این دیدگاه چندان اشتباه هم نیست که از لحاظ صفحه‌آرایی و اندازه قلمها و فرمهایی که استفاده شده از گرافیک بهره گرفته است.

به نظر من گرافیک یک وجود مستقل نیست گرافیک یک ماهیت است. وقتی می‌گوییم یک اثر گرافیکی است یعنی براساس اصول و ارکانی که باید در اثر باشد انجام شده است. و کاری که در این چارچوب نباشد کار گرافیکی نخواهد بود. درست است در کار گرافیک، خیلی از کارها انجام می‌شود که قالبهایش شکسته شده ولی به یک نظمی این عمل انجام شده. دلیل پرهیز اینکه کارهای بنده گرافیکی تلقی شود نه به خاطر اینکه دوست ندارم کار گرافیکی انجام دهم در کشور ما هر کار نویی که انجام می‌شود از نظر گرافیک هم بررسی می‌شود به خاطر این که گرافیک یک چهار چوب سنجش توازن، تقارن و تعادل است. قصد من بیشتر این بود که هر بیننده‌ای که با این خطوط مواجهه دارد، اولین چیزی که می‌بیند خط باشد و آن انضباط و تعادل روحی که در جان صاحب اثر نهفته است. وقتی یک هنرمند خوشنویس بیست سال یا سی سال کار می‌کند دارای یک روح متعادل می‌شود که هر چیزی که از آن نشات بگیرد یقیناً متعادل است و در هر دوره‌ای می‌توان آن را با هر چهارچوبی مثل گرافیک یا هندسه انطباق داد. الان شما بخواهید خطوط مرحوم میرعماد را با اصول گرافیکی بررسی کنید می‌بینید که بر اثر همان نقاط طلایی و همان اصول طراحی شده برای این که روح هنرمند متعادل شده است. وقتی که این تعادل در روح هنرمند تجلی‌کند، آن چیزی که از سر انگشتانش تراوش کند بر اساس همان اصول زیبایی‌شناختی است. من هم می‌خواستم از آن جاده منحرف نشوم و قصدم این بود که در کار کلاسیک‌مان که چندین سالی تحولی اساسی صورت نگرفته اقدام شایان توجهی انجام بدهم نه اینکه حالا خیلی هم کار جدی کرده باشم و ان‌شاءالله این حرکت در بستر خوشنویسی سنتی ثبت و ضبط شود نه هنرهای دیگر مثل گرافیک، که در حیطه گرافیک هر روز با نوآوری و توجویی و دستاورد نو مواجه هستیم، ان‌شاءالله این تجلی به نام هنر خوشنویسی مقبول طبع صاحب‌نظران و جامعه فرهنگی کشور و مردم لایق ایران بیفتد.

● ضرورت انجام کارهایی با گرایش جدید، شما را بیشتر به فکر تحول انداخت یا محدود بودن و بسته بودن یا عدم جوابگویی؟ مثلاً خط نستعلیق در انجام سفارشات و کارها جناب‌عالی را وادار به چنین نوآوری کرده به هر حال شما نستعلیق را در شیوه مورد نظرتان هم خوب و به درستی فهمیدید و هم قلمتان جاری و شیرین است.

آنچه که انسان را به تحرک و پویایی وا می‌دارد اثراتی است که از محیط می‌پذیرد و حرفهایی که برای گفتن دارد. نستعلیق شیوه‌ای نیست که این قدر محدود باشد و بعد از مدتی برای خوشنویسی که نستعلیق کار می‌کند کسالت بیاورد و از نستعلیق خسته بشود، من در این نمایشگاه یک قطعه نستعلیق گذاشتم که بیشتر هنرجویان، فکر نکنند که من چون در نستعلیق به نتیجه قطعی نرسیدم دست به یک کار جدید زدم. من این کار را کردم که بدانند در نستعلیق رموزاتی نهفته است که شاید در خط دیگری وجود نداشته باشد. من هم به هیچ‌وجه از نستعلیق خسته نشدم ولی چون ما زندگی‌مان در التهاب گذشت و بعد هم مشکلات متعددی را داشتیم به خاطر اینکه یک تحول اجتماعی و شگرفی داشت صورت می‌گرفت به نام انقلاب، شاید که تراکم این فریادها در وجود من بوده است که دوست داشتم یک چنین حرکتی را انجام بدهم. این یک شکل قضیه است. مطلب مهمتر که چرا طرح نوین این خط پیش آمد برمی‌گردد به آن حسی که خودم نسبت به حضرت امیر(ع) داشتم. شخصیت حضرت امیر(ع) در عالم یک شخصیت بسیار پیچیده و عجیبی است و می‌بینید که عارف و عامی همه نسبت به ایشان ارادت دارند ما هم چون در محیط پیرامونمان یک بافت این چنینی بود می‌خواستیم که به ساحت مقدس چنین شخصیتی تمسک پیدا کنیم. وقتی می‌خواستیم در مورد حضرت امیر چیزی بنویسیم دوست داشتم که یک قالبی موجود باشد تا بتوانم فریادی بلندتر بزنم. این اصل چیزی بود که در من تحرک و انگیزه ایجاد کرده است.

● به هر حال، یک پدیده اجتماعی از وقتی در ذهن شکل می‌گیرد و در این نمایشگاه به یک جلوه این چنینی می‌رسد و تا این مرحله ثبت می‌شود فکر می‌کنم ضمن اینکه خیلی از محاسن و اصول زیبایی‌شناسی و آن چیزی که باید داشته باشد را دارد، آن حس اسلامی و حس ایرانی بودن و حس شناختی که یک خوشنویس شناخته و از فیزیک خطوط دیگر استفاده و برداشت کرده تا به این دستاورد رسیده است. فکر می‌کنم نیازمند برگزاری نمایشگاههای متعدد و با تداوم و همچنین طراحی الفبایی مشخص و قانونمند و همچنین چاپ رسم الخطی آموزشی که دربرگیرنده اتصالات، حروف و کلمات اصولی این خط تا یک خط کلاسیک و ایرانی دیگر را شاهد باشیم.

از عمر خط معنی چهار پنج سال بیش نمی‌گذرد و کارهای بزرگ و ارزشمندی که در تاریخ خوشنویسی ضبط و ثبت شده است بخاطر طول زمانی است که بر آن‌ها گذشته است. ولی در کارهای خود من استثنا است من نه آدم بزرگی هستم و نه آدمی هستم که بزرگ بیندیشم. و اگر هم کاری کردیم از توجهات و عنایت حضرت حق بوده است. این خط نوپاست و دوران نوجوانی و شکوفایی خود را سیر می‌کند که ان‌شاءالله با پی بردن به فرمهایی جدیدتر و استحکام بیشتر در مسائلی که عنوان کردید که اگر توفیق باشد در آینده‌های نزدیک عرضه خواهد شد تا الگوی کامل تری در اختیار علاقه‌مندان در قالب رسم الخط با رعایت قواعد علمی فراهم آید. الان خودم در سطر نویسی یا... راحتم ولی آن شکلی که شما تصورتان است هنوز می‌بایست دو سه سال دیگر با این پدیده زندگی کنم، از کارشناسان و صاحب‌نظران نظرات قطعی‌شان را بگیرم و به تقسیم‌بندی ذهنی خودم در فضا سازی و... افزوده کنم تا بهتر شود، حال اگر این وسواس را به خرج ندهم جمعی و گروهی را خدای ناکرده به بیراهه رهنمون می‌سازم همانطوری که مستحضری در تاریخ اتفاقات زیادی رخ داده که بعضی پیام‌آور بوده‌اند و آغازگر. بعد انسان پر قدرت دیگری غیر از مبدع اصلی آمده است با اندیشه‌ای پویاتر، که درگیر تصورات ابدایی و ابتدایی آن نبوده و با یک انرژی و دیدگاه تازه‌ای با رعایت ظرایف و مسائل کلاسیک، آن پدیده را بررسی کرده تا کار را به انجام نهایی برساند و با نگرشی نو عیبها و کاستیها را برزاید و به

قصدم این بود که  
در کار کلاسیک مان  
اقدام شایان توجهی  
انجام دهم

کمال نهایی‌اش برساند. امید داریم آیدگان از این کور سو و جرقه بهره برند و هنر متعالی‌شرق را به یک دریافت معنوی تازه و وصل کامل‌تر برسانند، حال تصمیم داریم صبر کنیم.

### ● به نظر شما محدودیت کلاً از هنر است یا هنرمند؟

هنر اصلاً محدودیت ندارد در آن تعریف کلی که من از هنر دارم، هنر واکنش و تجلی بنده است نسبت به خالق خودش. اگر ما با این تعریف جلو برویم در این چارچوب و تعریف اصلاً محدودیت وجود ندارد، اگر چیزی یا گره‌ای در کار بیفتد از ذهن هنرمند است، اگر هنرمندی در پوسته یا قالبی می‌ماند به خاطر این است که تعریفش از هنر کوچک و محدود است. بعضی از به اصطلاح هنرها چون نورانی و ازلی نیست یعنی طریق کشف جمال محبوب در آن مشاهده نمی‌شود از سر منشاء قدسی فیض نمی‌برند، زود کارشان به گره می‌افتد و محدود می‌شوند مثلاً هنر بعضی از اقوام بسیار ساکت بوده و به جاده‌ای بسته ختم می‌شده که به خاطر خاصیت روحی آن هنر است. به هر حال اگر مسیر غلط و دریافت نادرست باشد به نتیجه نمی‌رسد هر چند که تکنیک بالا و والا باشد.

### ● فکر می‌کنید کاربرد فیزیک معلی که در احادیث و آیات جاوید است در شعر فارسی هم کاربرد داشته باشد.

یقیناً با این سؤال اساسی که طرح کردید باید ببینیم آیا با این می‌شود شعر هم نوشت. بله هر خطی را می‌شود با آن شعر یا هر مطلبی دیگر را نوشت حتی می‌شود کتابت کرد، حال من سؤال می‌کنم صلاح می‌دانیم با خط ثلث حافظ بنویسیم، اگر بنویسیم آن ملاحظت نستعلیق را داراست؟ اگر که این خط به نتیجه قطعی خودش برسد شما هر چه که بخواهید با آن بنویسید می‌توانید، اما بیشتر بستگی به خلاقیتی دارد که خود هنرمند داراست و کار را به نتیجه می‌رساند ولی به نظر باید برای هر ظرفی، مظلوف خاصی را در نظر گرفت.

### ● تا حالا چنین نبوده، خط ثلث یا خط نسخ، خط عربی و... این حس برای بیننده ایرانی جاافتاده که خط نسخ، خط قرآنی است. این چنین نبوده به این جاافتادگی و زیبایی نبوده است. شما هنرمندی معاصر هستید، فکری برای این قضیه کردید که این خط طراحی شود با دو نوع گرایش، گرایش ایرانی و گرایش عربی؟

تفاوت خطوط بسیار اندک است. خط محقق و خط ریحان که باهم مقایسه می‌شوند می‌بینید که در رانش و حرکت قلم و در نوع استفاده از دانه قلم خیلی به هم نزدیک هستند ولی در بعضی از جهات اختلاف دارند. تحولات تاریخی را هم که بررسی می‌کنیم می‌بینید که در یک دوره شعر حافظ با نسخ هم نوشته شده ولی به محض اینکه خط نستعلیق آمده، دیگر نسخه حافظ به خط نسخ کمیاب شده، برای اینکه یک قالبی پیدا شده که بهتر می‌شود این ملاحظت را در آن ظرف گنجانند و دید. الان که این خط به وجود آمده و من انجام می‌دهم این قالب مناسبی است برای این کار و رسالت هیچ خطی هم نباید فراموش شود، هر خطی برای خودش یک جایگاه خاصی دارد. ظرف و مظلوف باهم یک رابطه مستقیم دارند و معتقدم که بعضی از کارها با زمان معنا پیدا می‌کند چه بسا در ترکیب چنین فرمهایی، آدمهایی باشند که بتوانند استفاده‌های خیلی خوبی از آن بکنند و آن را تبدیل به کاری که حروف فارسی را بتوان نوشت بکنند.

### ● در خط معلی که طراحی کردید و در آثار نمایشگاه موجود است برای آن شیوه‌ای که مورد نظرتان است در قلمهای جلی و



گرافیک  
یک وجود  
مستقل نیست  
یک ماهیت است

### درشت حستان یک شکل بوده و در قلمهای مشقی یک حسی دیگر و بین این دو خط من حسی مشترک و یگانه نمی‌بینم؟ و باهم فاصله هنری و عیاری دارند؟

همین چیزی که شما فرمودید جناب استاد امیرخانی هم فرمودند. من عرض کردم این تابلوهای من، قلم درشت صفحه، متعلق به یک سال پیش است. بهتر در جریان هستید که برای نوشتن دانه درشت خصوصاً وقتی هنرمند در کار خط محقق یا خط نسخ و... استفاده می‌شود، احساس می‌شود که بیشتر سینه قلم و تمام قلم روی صفحه می‌نشیند و کاربرد دارد ولی در اقلام ریز خوشنویسی از نیش قلم و یک دوم و یک سوم بیشتر استفاده می‌کند و به نوعی ظرافت کار بیشتر می‌شود.

### ● منظورم این نیست نکته دیگری است جناب عجمی... آن را بفرمایید؟

می‌خواستم در ادامه برسم، فاصله‌ای که بین نوشتن این دو قلم ریز و درشت در یک تابلو اتفاق افتاد موجب شد، من هم در کارم به تجربه تازه و دیدی متفاوت و رشد یافته‌تر برسم که البته موجب تکامل معلی شد که دیدید کمتر از سه ماه به نمایشگاه رسید وقتی به نوشتن اقلام کوچک خطوط می‌رسیم به رشدی محسوس و یک بازنگری عمیق‌تر دست می‌یابیم، براساس همین نکته است که می‌گویم برای معلی نیاز به زمان کافی دارم و همان طوری که اشاره نمودید واقعاً باهم فاصله کیفیتی و عیاری دارند ولی از آن جایی که احساس دین می‌کردم که هرچه زودتر دست یافته‌ام را ارائه کنم.

● البته درست می‌فرمایید همین قدر که واقف شدید موجب خوشحالی است که در رفع آن می‌کوشید چون هندسه نستعلیق را می‌شناسید به دریافت‌های روحانی و متعالی حتماً می‌رسید. و اگر قلم‌های ریزتان که اوج لطافت و زیباشناختی کارتان است

## گسترش یابد هویت کاملتری دارد.

ببینید لاجرم مجبورم بعضی از کلمات و حرفها را عنوان کنم در عین شرمساری، چون راهی جز بیان حقیقت ندارم و نمی‌توانم تعارف کنم کسی از من پرسید این خط عربی است یا ایرانی. گفتم: اگر بخواهیم به ظاهر ماجرا بپردازیم شاید عربی باشد ولی اگر کمی منصفانه ببینیم دوری که در معنی است لطافتی است که از روح ایرانی و هویت ایرانی سرچشمه گرفته و چون واضعش و نویسنده‌اش ایرانی است. یقیناً خط ایرانی است. در کلیه خطوط هم چون واضح آن مربوط به یک اقلیم است نوع خط را به آن اقلیم نسبت می‌دهند.

● یک حس غریب آمدنی بودن در معنی است که انگار نمی‌شود بی تفاوت گذشت، آموخته شما و ریاضت شما در خوشنویسی نستعلیق است و با آنکه اغلب دوستان می‌دانند عجمی ثلث نویس نبوده و اینکار را بلد نبوده شاید به تعبیری بیشتر بشود معنی را از درون شما به عنوان خط پذیرفت که به قول مولانا، «عشق آمدنی بود نه آموختنی». و حالا بیاییم شکلی دیگر را ارزیابی کنیم چه اشکالی دارد، که اگر عجمی یا هر ایرانی پاک‌نهاد دیگر بخواهد خطی را وضع کند و به مطالعه خطوط دیگر بپردازد و آگاهانه از آنها الهام تکنیکی و فیزیکی بگیرد با برداشتهای مختلف شما از دیگر هنرها، بنظرم اشکالی نیست.

معتمد هیچکس نمی‌تواند به خود بگوید امروز از منزل می‌روم بیرون که عاشق شوم، این کار ما نیست. دست اوست، واقعاً آمدنی است نه آموختنی، و چقدر این قضیه که اشاره کردید زیباست من هم مثل همه ایرانیان عاشق آستان حضرت امیر هستم. یک پستوانه تاریخی و پیشینه فرهنگی هم می‌خواهد و گرنه نمی‌شود کسی بگوید از امروز می‌نشینم و یک خط می‌سازم و از این جا و آنجا مطلب می‌گیرم. ماه رمضان چند سال پیش حس غریب داشتم و از طرف حضرت حق هم عنایتی شد و می‌دانید که خط معنی از یک علی شروع شد، یک دل‌مشغولی پیدا کردم و با آن زندگی کردم واقعاً نمی‌دانم چه شد که بدین جا رسید.

● به هر حال رویه رشد است، بعضی از حرکات فرهنگی و هنری شاید در زمان پیدایش فقط به عنوان یک حرکت تلقی شود و در تداوم خویش جای اجتماعی و پایگاه خود را بشناسد و تاریخ قضایای عادلانه در جذب یا کنار زدنش دارد، ان‌شاءالله همان طوری که شما با خلوص و نیتی پاک که دست بدین کار زدید، اهل دل بدون دغدغه نبینند و به مدد شما بیایند و اندیشه‌شان را بیان دارند. آقای عجمی هر پدیده اجتماعی مشخصاتی از فرهنگ و معماری سرزمین‌اش را دارد فکر می‌کنید جای تذهیب، طلااندازی و نقوش ایرانی در کار شما خالی است و باید فکری اساسی بکنید تا آنها هم در رسالت شما شریک شوند، تا حس معنوی کارتان برای بیننده عام تداعی بیشتر بکند چون بیننده خاص نوع نگاهش متفاوت است و زیبایی کار را با جستجو و کنکاش و دقیق شدن پیدا می‌کند و قوت و ضعف کارت را بازگو می‌کند؟

در این نمایشگاه به علت تنگنای وقت و به علت میلاد حضرت امیر(ع) نتوانستم از نقوش مختلف بهره ببرم، ولی در آینده چرا باید از نقوش ایرانی و اسلامی بهره ببرم و در ثانی نمی‌خواستم در بازتاب اول رنگ و فرمهایی اضافه داشته باشد، تا استقلال هنر خوشنویسی بیشتر حفظ شود در حالی که معتقدم هنر نگارگری و تذهیب در القاء کردن حس فوق‌العاده می‌تواند نقش بسزایی داشته باشد، منتها من می‌خواستم هر چه می‌شود کارها ساده تر و بی‌آلایش تر باشد، اگر دقت کنید حتی رنگ کاغذ ما را به ساده‌گی و گذشته دعوت می‌کند.

● در دوره فرهنگی جدید هستیم که به قول آقای خاتمی

گفت وگویی تمدن‌ها که دیگر سالش نزدیک می‌شود فکر نمی‌کنید ارتباطی و پیوندی این گونه هم می‌شود در رابطه با این کار تصور کرد چون جهان از هنرمند ایرانی و ایرانیان انتظار دیگری دارد؟

چرا کاملاً به نکته‌ای ظریف اشاره داشتید اتفاقاتی در دنیا در حال ایجاد و انجام است که بیشترین تجلی‌اش به ایران ما برمی‌گردد. آمدن آقای خاتمی، سخنرانی آیت‌الله خامنه‌ای و... مجموعاً مملکت در سالهای اخیر به بلوغ اندیشه‌ای خاص دست یافته است. شاید حتی همین اتفاق خط معنی با این بلوغ و رشد ارتباط تنگاتنگی داشته باشد.

## ● ان‌شاءالله اینگونه است.

بالاخره نوری که متجلی می‌شود هر کسی را به اندازه خودش و قابلیتش تحت تاثیر قرار می‌دهد و ما موظفیم به خاطر فرهنگ غنی و پیشینه‌مان کمی عمیق تر باشیم. ملت ما دارای انرژی و اندوخته‌هایی است که می‌تواند کاری کارستان بکند و به راستی شاید ملل دیگر این جوهره و انرژی را ندارند که از نظر کار فرهنگی و هنری نمی‌توانند ولی در دوره فعلی ما موظفیم که کار کنیم و حمایت فرهنگی و معنوی و مادی دولت را داشته باشیم تا بتوانیم به شایستگی خود و به درخشندگی برسیم. به قولی امسال سال بارش است و تجلی.

● گفت وگویی ما یک حالت معنوی پیدا کرد که شاید به این سوال و مقوله که می‌خواهم مطرح کنم کمتر قابل وصل باشد. در دوره دوسه ساله جدید که همه هنرمندان با یک شوقی پر و بال گشودند برعکس، همه‌اش به مشکلات و بن‌بست خوردند و دچار تنگناهای مالی و اقتصادی شدند. فکر می‌کنید اصلاً هنرمند ما می‌تواند این همه مشکل را تحمل کند و به چه قیمتی؟ و آن وقت قضیه اقتصاد ارتباط و تاثیر مستقیم با هنر و روند فرهنگی دارد؟

در دو دهه اخیر ملت ما با بزرگواری مصائب فراوانی را تحمل نموده است. به هر حال انقلابها معضلات و مشکلاتی فراوانی دارد چون استقلال یافتن همیشه گران تمام می‌شده است به هر حال هر کدام از ما اهل فرهنگ، دارای مشکلات و نیازهای خاص خودمان هستیم. اگر این دوران را تحمل نمی‌کردیم به چنین رئیس جمهور فرهیخته‌ای دست نمی‌یافتیم، شاید از هزاران شکوفه و نهال تنها تعداد معدودی توانستند از خزان جنگ و سختیها بگذرند و تناور و شکوفا شوند. اینکه می‌گوئیم خزان جوهره جنگ را می‌گویم نه اعراض آنرا، اگر نیک بنگریم، دفاع مقدس را پشت سر گذاشتیم که این تراکم غربتها همه از برکات دلیرمردان ما بوده است ان‌شاءالله با تمهیداتی که اندیشه شده است به افقهای روشن برسیم که باید اندیشمندان، روشنفکران و هنرمندان دست به دست هم دهند.

## ● اگر پیام یا صحبت خاصی دارید، بفرمایید.

با بوزش از اطاله کلام و عذرخواهی از بزرگان قوم عرض می‌کنم که امسال سال بارش فیوضات رحمانیه و رحیمیه حضرت حق است. جوانان، بهوش باشند در این سال که به دو دست حمایت حضرت امیر(ع) به نام عید غدیر در محاصره ایم هر کار ارزشی‌را که دنبال کنند، به حول و بزرگواری و قوه سرور کائنات به انجام می‌رسد. فقط کافی است نهراسند، دلیر باشند و ظرفشان را به طرف آسمان بگیرند. اما همه کارهایی که با این خط انجام داده ام خلاصه می‌کنم در این بیت از مولانا عبدالقادر بیدل که می‌فرماید:

دستگاه لاف بسیار است اما مرد کو

آبروی ذوالفقار از سعی دست حیدر است

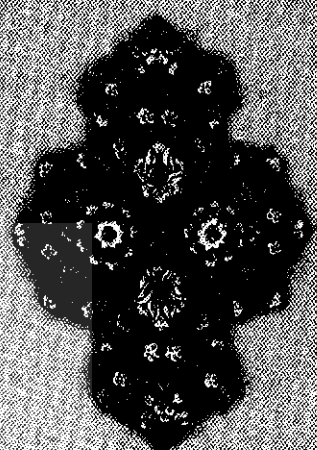
● مؤید باشید.

در نستعلیق  
رموزاتی نهفته است  
که شاید در هیچ  
خط دیگری  
وجود نداشته باشد

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

أَحْمَدُكَ يَا قَلْبُوبُ وَأَجْزَا  
أَحْمَدُكَ يَا لَيْلِي وَأَحْمَدُكَ يَا  
أَحْمَدُكَ يَا حَبْلِي وَأَحْمَدُكَ يَا  
أَحْمَدُكَ يَا حَبْلِي وَأَحْمَدُكَ يَا

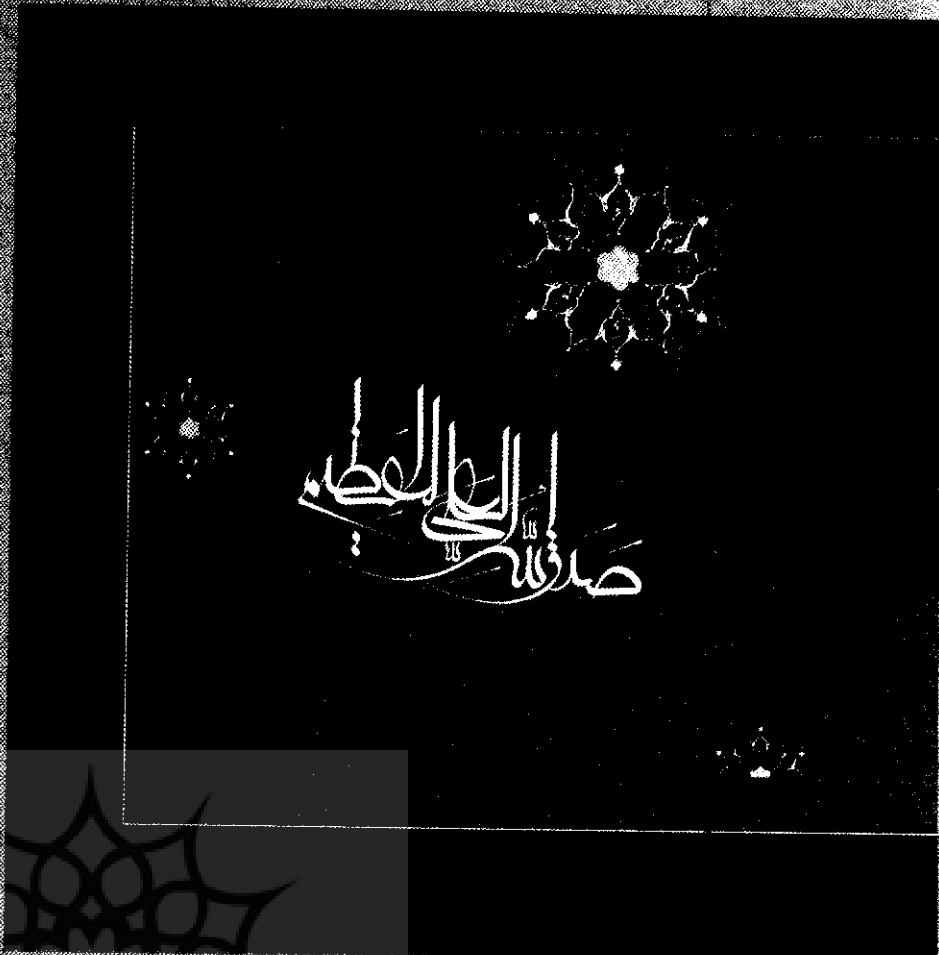
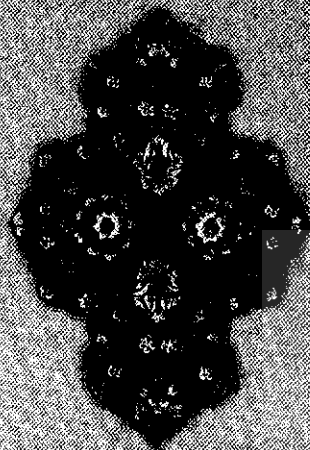
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



پیشکش کاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی  
رسالہ جامعہ حکیم اشرفی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ





صدق الله العظيم



عالمنا

پیشہ کاروں کا علم و انسانی استطاعتوں کی  
پرتال جامع علوم اسلامی

ایر تہذیب و تمدن عقیدہ الہی





بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

پروفیسر سجاد علوم انسانی وقت خدمات فرسنگی  
پرنٹل جامع علوم انسانی

